

مبنای همه ادله (غیر از استقراء سوم) = کلمات در لسان شارع :
یا در معنای لغوی استعمال شده (باتغییراتی در مصداق) = که مردود است
یا مجاز است = که مردود است
پس : حقیقت شرعیه ثابت است

مرحوم آخوند و مرحوم امام :
وجود شقّ رابع = این الفاظ در معانی شرعیه، حقایق لغویه هستند
اسلام تنها شروط و اجزایی را به آن اضافه یا کم کرده است

ادله پنج گانه ای که اقامه شده نمی تواند مبنای این دو بزرگوار را رد کند

جمع بندی
ادله پنج گانه

اقوال در ثبوت مطلق یا عدم ثبوت مطلق حقیقت شرعیہ

قول	قبل از اسلام	بعد از اسلام	توضیح
۱	به معنای دعا	استعمال مجازی در معنای نماز	
۲	به معنای دعا	در معنای دعا با تفاوت در مصداق	قول باقلانی
۳	به معنای دعا	وضع تعینی جدید	قول حقیقت شرعیہ تعینی
۴	به معنای دعا	وضع تعینی جدید	قول حقیقت شرعیہ تعینی
۵	به معنای نماز	در معنای نماز با اختلاف در مصداق	قول آخوند و امام خمینی

بیع غیر عربی :

آیا بیع هست (صرفاً شارع حکم آن را منتفی کرده است) و یا اصلاً بیع نیست؟
ردع شارع از بیع های غیر عربی، به تخطئه در مصداق باز نمی گردد

اگر شارع همان مفهوم عرفی بیع را پذیرفته است

در این صورت : نمی توان گفت شارع مصداقی (بیع غیر عربی) را بیع نمی داند.
چراکه تطبیق مفهوم بر مصداق امری وجدانی و ضروری است

و اگر شارع جایی مصداقی را مصداق مفهوم (بیع) نمی داند:
در حقیقت در مفهوم تصرف کرده و مفهوم را تغییر داده است

کلام

حضرت امام

توهم ناسازگاری کلام حضرت امام در آنجا و اینجا!

اگر شارع معنای عرفی صلوة (= نماز) را پذیرفت

در این صورت هر مصداقی را که عرف، مصداق نماز می داند، باید شارع بپذیرد
و لذا اگر جایی شارع مصداق هایی را تخطئه کرد، لاجرم مفهوم را تغییر داده است

**ما می گوئیم
(۱)**

جمع بین دو کلام:

کلام امام در کتاب البیع: تخطئه مصداق

کلام امام در ما نحن فیه: اختلاف در خصوصیات

اشکال به مرحوم آخوند:

اگر صلوة یهود از دیدگاه ایشان، نماز است، چگونه در بحث صحیح و اعم، صحیحی است؟

ما می گوئیم
(۲)

اشکال به حضرت امام:

امام: صلوة برای اعم وضع شده ولی اجزاء رئیسه داخل در ماهیت نماز است.
اشکال: چگونه نماز بر نماز یهود که رکوع و سجود نداشته است، صادق است؟

آیا **تخطئه مصداق** الزاماً سر از تغییر مفهوم در می آورد؟

تخطئه مصداقی (چه توسعه و چه تضییق)، مجاز است.
یعنی ادعای شارح است به اینکه فلان فرد از مصداق هست یا از مصداق نیست.
پس این نحوه **تخطئه مصداقی**، لازمه اش تغییر مفهوم نیست.

اما اگر تخطئه مصداقی علی نحو الحقیقه باشد:
لازمه اش تغییر مفهوم و التزام به وضع جدید است

مجاز ادعایی الزاماً به **ادعای فردیت** یک مصداق برای یک مفهوم نیست،
بلکه می تواند به **ادعای عدم فردیت** یک مصداق برای یک مفهوم باشد

ما می گوئیم
(۳)

۹۱ / ۱۱ / ۱۵

جلسه ۵۹

حقیقت شرعیہ

یکشنبہ

سال سوم

بررسی نہائی حقیقت شرعیہ

مقدمه :

بحث های زبان شناسنامه وابسته به وضع است
و وضع از جهت سعه و ضیق معنی و حقیقت و مجاز، قاعده بردار نیست

مثال:

لفظ سیب : سیب کال و سیب رسیده و سیب گندیده، هر سه سیب هستند
میوه درخت مو : کال آن، غوره و رسیده آن، انگور و خشک شده آن کشمش است

امکان همه مبانی و لزوم بررسی جزئی درباره هر لفظ
طبعاً جای آن در آغاز هر سند فقهی است

ما می گوئیم
(۱)

سؤال :

آیا بحث از حقیقت شرعیہ یک مسئله اصولی است؟

بر اساس نوع ملاک مسئله اصولی، تفاوت میکند:

اگر ملاک جریان در همه ابواب فقه باشد :

بحث از لفظ صلوة اصولی نیست ولی بحث از لفظ «کراہت» اصولی است

اگر ملاک عدم توجه بالذات شارع باشد :

بحث از معنای لفظ صلوة ہم بحث اصولی است

ما می گوئیم

(۲)

کلام آخر :

بحث از هر لغت، حتی اگر بحث اصولی باشد به جهت مفصل بودن باید در آغاز

هر باب فقه، آن بحث نمود

۹۱ / ۱۱ / ۱۵

جلسه ۵۹

حقیقت شرعیہ

یکشنبہ

سال سوم

حقیقت شرعیہ
مرد

دلیل اول : چراکه مراد شارع همیشه معلوم است

حتی اگر قائل به حقیقت شرعیه هم نباشیم:
یقین داریم که این الفاظ در کلمات شارع و قرآن به **معنای شرعی** (و لو مجازاً)
استعمال شده اند

حضرت امام

عدم اقامه دلیل توسط امام بر مدعی خویش و استناد به یقین شخصی
در حالیکه ممکن است کسی چنین یقینی را تحصیل نکند

ان قلت:

این یقین بزرگترین ثمره بحث از حقیقت شرعیہ است
چراکه: منشأ یقین ایشان این است که این الفاظ از قبل از اسلام دارای معانی
شرعیہ بوده اند

قلت:

ایشان می گویند قطعاً مراد شارع همین معانی شرعی است
یا به وضع تعیینی و یا به مجازی بودن استعمالات و یا به استعمال قبل از اسلام
پس: ایشان به سبب یقین به مراد، مبنای خود را انتخاب کرده اند و نه بالعکس

ما می گوئیم

ادله
قائلین
به عدم
ثمره

گروه
اول

دلیل دوم : چراکه الفاظ شارع مستقیماً به دست ما نرسیده است

مرحوم خوئی تبعاً للمحقق النائینی می فرماید بحث از حقیقت شرعیہ ثمره ندارد

اگر جایی کلامی از شارع به ما می رسید بحث مطرح بود:
در حالیکه چنین فرضی وجود ندارد

در مورد روایات ائمه : قطعاً مراد از کلمات همان معنای شرعی است
چراکه تا آن روز حتماً الفاظ دارای معانی شرعی شده بودند

اما در مورد قرآن و روایات نبوی:
همه آنها را ما از طریق ائمه به دست، آورده ایم و ائمه ناقل آنها بوده اند

شهید صدر

ادله
قائلین
به عدم
ثمره

گروه
اول